

وقتی از فیلم حرف می‌زنیم

از چه حرف می‌زنیم (۱)

گزارش‌های ۵۰ فیلم سینمای جهان
(۲۰۱۵-۲۰۰۵)

وحید ضرابی نسب

www.ketab.ir



سرشناسه: ضرابی نسب، وحید - ۱۳۵۹
عنوان و نام پدیدآور: وقتی از فیلم حرف می‌زنیم از چه حرف می‌زنیم (۱) / وحید ضرابی نسب
مشخصات نشر: تهران / ایجاز / ۱۴۰۱
مشخصات ظاهری: ۲۱۲ ص.
شابک: ۲- ۷- ۰۷- ۵۸۰۸- ۶۲۲- ۹۷۸
موضوع: فیلمنامه - نقد سینمایی - تاریخ و نقد
رده بندی کنگره: ۱۴۰۱ / ۱۹۹۵ / PN
رده بندی دیویی: ۷۹۱/۴۳۰۱۵
شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۵۰۵۴۸

وقتی از فیلم حرف می‌زنیم از چه حرف می‌زنیم (۱)

وحید ضرابی‌نسب

چاپ اول: ۱۴۰۱

شمارگان: ۳۰۰

شابک: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۵۸۰۸ - ۰۷ - ۲

صندوق پستی ناشر: ۹۷۳ - ۱۳۱۴۵

تلفن: ۰۹۱۲۱۵۹۱۸۹۱ - ۶۶۹۰۹۸۴۷

تلفکس: ۶۶۹۰۹۸۴۸

آدرس: میدان انقلاب، ابتدای کارگر جنوبی

کوچه مهدی‌زاده، پلاک ۴ واحد ۱۰

www.ejazzbooks.ir

ejazzbooks@gmail.com

[instagram:ejazzbooks](https://www.instagram.com/ejazzbooks)

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

قیمت: ۷۹۰۰۰ تومان

به جای مقدمه.....	۹
جایی برای پیرمردها نیست.....	۱۱۷
ملانکه نیا.....	۱۶۱
پل جاسوس ها.....	۱۷۷
رشدگی.....	۲۰۵
دنیای روز انیس.....	۲۴۳
مه.....	۲۷۸
روستای.....	۳۰۱
مرد عکوتی.....	۳۷۱
بیمه شب در پارس.....	۳۷۹
ایوانیتو.....	۴۰۸
یک قلب توتانا.....	۴۵۰
لورنس عربستان.....	۴۷۱
قهرمان ۳۱۰ به یوما.....	۱۱۲۷
دشمنی با فالکوبی لردها.....	۴۹۱
نبرد هانوس.....	۱۲۷۲
سوغی تار.....	۱۲۷۸
زور به پا خواهد شد.....	۱۴۱۱
بمساح.....	۱۵۳۷
قول های شرقی.....	۱۵۵۱
بیمه خانه.....	۱۷۰۵
مادرهای تن تن.....	۱۷۰۹
نور خورشید.....	۱۷۶۹
تیر انداز.....	۱۸۱۳
بوستر خنلم ها.....	۱۸۱۷

سینما رسانه‌ی مناسبی برای توضیح دادن نیست.
مخاطب را باید در درک محتوای فیلم آزاد گذاشت.
آکیرو کوراساوا

به جای مقدمه

قطعا اولین پرسشی که در برابر این کتاب قرار می‌گیرد این است: برای چه؟! واقعا برای چه باید نقدها و ریویوهای را درباره‌ی فیلم‌های یکی دودهه پیش سینمای جهان که احتمالا بارها دیده شده‌اند منتشر کرد و خوانند؟ اصلا صرف جمع‌آوری این مطالب چه جذابیتی برای خواننده دارد؟

این پرسش را از دو منظر پاسخ خواهم داد که اولیش کاملا شخصی است. به عنوان کسی که بیش از دو دهه در فضای روزنامه‌نگاری سینمایی کشور و نقدنویسی فعالیت می‌کنم - منهای تجربه‌های عملی فیلم‌سازی متأخرتر - همواره بازگشت به نوشته‌های قدیمی‌تر در حوزه‌ی سینما و کلا هنر، هم لذت‌بخش است و هم پرفایده و تأمل‌برانگیز. در وهله‌ی نخست این که با خواندن نقدها یا یادداشت‌هایی در باب یک فیلم قدیمی‌تر، که کلا از حافظه‌تان پاک شده یا خیلی چیزهایش را از یاد برده‌اید، احساس خوشایند غوطه‌ور شدن در خاطرات نه

چندان دور سینمایی به سراغ تان می‌آید و حتی ممکن است یادگارهایی از زندگی شخصی و اتفاقات غیر سینمایی دیگری را نیز برایتان یادآوری کند که وصل به آن فیلم خاص یا پیرامونش باشد. دومی هم اینکه زاویه‌ی دید مثلا ۲۰ سال پیش یک منتقد یا سینمایی‌نویس به یک اثر، نه تنها فضای سینمایی و هنری و مطبوعاتی آن سال‌ها را بازسازی می‌کند، بلکه نگرش‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی را دوباره برای‌مان زنده می‌کند و دریایی از پیش‌بینی‌ها، سوء برداشت‌ها، حسن‌نظرها، درک شدن‌ها، نفهمیدن‌ها، قضاوت‌ها و تأویل‌ها می‌اندازد. تصور کنید دارید مطلبی که ۱۵ سال پیش درباره‌ی فیلم یا فیلم‌سازی نوشته شده می‌خوانید و اتفاقا بعد از گذشت این سال‌ها حرف نویسنده که آن موقع تَره هم برایش خراب نمی‌کردند به کرسی نشسته است. یا اینکه ادعای آن زمان بوج منتقدی درست از آب درآمده یا برعکس، تمام تصورات قطعی و حکم دادن‌های سینمایی‌اش، ناشی از جهل زمانی و برداشتی‌اش بوده است. یا اینکه فیلمی که گمان بر بی‌ارزشی‌اش می‌رفته در گذر تنها دو دهه ویژگی‌هایش را آشکار کرده و البته برعکس.

اما از منظری عام‌تر، پیشرفت فن‌آوری و به تبع آن سرعت تغییرات اجتماعی و فرهنگی در این سال‌ها آنقدر شتابان بوده که بعضی اوقات، نگاه دوباره به نوشته‌های دو دهه پیش سرشار از ناباوری است. شاید اگر در سال ۱۹۹۵، نقد و یادداشتی در باب فیلمی ساخته‌ی ۱۹۵۵ می‌خواندید این‌قدر احساس غریبی و دور از دسترس بودن نمی‌کردید که در آخرین ماه‌های ۲۰۲۱، ریویوی از فیلمی ساخته‌ی ۲۰۱۰ می‌خوانید. گاهی نگاهی هر چند گذرا به راهی که آمده‌ایم و

مسیر پرتغییری که بی توجه، پشت سر گذاشته‌ایم، چراغ‌های اندیشه‌مان را پرنورتر می‌کند. اینجا دیگر فرقی نمی‌کند مقاله‌ی علمی پیشروی درحوزه‌ی آی تی از سال ۲۰۰۲ می‌خوانیم یا گزارش اجتماعی عربانی از وضعیت بی‌خانمان‌ها از سال ۲۰۱۰ یا یادداشت اقتصادی هشدار برانگیزی درباره‌ی وال استریت از سال ۲۰۰۷ یا گفتگوی سیاسی پرچالشی درباره‌ی انتخابات ریاست جمهوری از سال ۲۰۰۶ و یا نقدی بی‌رحمانه درباره‌ی فیلمی از سال ۲۰۰۱. مهم، توقیفی کوتاه و نگاهی به پشت سر است. همین.

مکتوبی که در دست دارید مجموعه‌ای از ۵۰ نوشته‌ی من است در قالب دو کتاب، از صدها متن موجود برای فیلم‌هایی که دوست‌شان داشته‌ام یا نداشته‌ام، اما در سال خودشان جریان‌شان بوده‌اند یا نام‌شان مطرح بوده یا خوب فروخته‌اند یا جایزه‌بگیر شده‌اند یا به چشم نیامدند. نوشته‌هایی که همان زمان در مجلات تخصصی سینما یا روزنامه‌های عمومی ایران منتشر شده‌اند. فیلم‌هایی از فون‌تریه و فینچر و اسکورسیزی و ایستوود و زمه کیس و سودربرگ و وودی آلن تا کلونی و افلک و مل گیسن و اسپیلبرگ و تارانتینو و کراننبرگ. و چند نکته را همین الان بگویم. اول اینکه نوشته‌های من نقدنویسی صرف نیستند و شباهتی به نقدهای تخصصی و تأویل و تفسیرهای سینه‌فیلیایی ندارند، بلکه بیشتر ریویو‌هایی در باب فیلم و فیلم‌ساز هستند با پس‌زمینه‌هایی تاریخی، اجتماعی و روایتی. چیزی که نام گزارش‌گونه بر آن نهاده‌ام و اتفاقاً معتقدم مخاطب اصلی سینما که توده‌ی عام‌تر اما باسواد و علاقه‌مند جامعه‌اند به این دست نگاه‌ها و ادبیات بیشتر نیاز دارند تا مباحث سنگین تئوریک و نقدهای ساختاری و تحلیل‌های اتلکتونلی. دوم هم

اینکه قطعا در این مقطع ۱۰ ساله‌ای که نوشته‌ها را از بین آن‌ها انتخاب کرده‌ام فیلم‌های درجه یکی بوده‌اند که حسابی جایزه درو کرده‌اند و فروخته‌اند و مورد توجه قرار گرفته‌اند. شاید عامدانه از کنار آن‌ها رد شده‌ام چون همیشه درباره‌ی شاهکارها زیاد گفته می‌شود و بیشتر هم در یادها می‌مانند و اتفاقا از دل فیلم‌های کم سر و صدا تر، نکته‌های موثرتر و خط‌های ملموس‌تری می‌توان یافت، گرچه به چند فیلم بزرگ دهه هم پرداخته‌ام. سوم هم مطمئن هستم علاوه بر حقایق جالب تاریخی و اطلاعات دست اول سینمایی و غیرسینمایی که از طریق این نوشته‌ها به دست می‌آورد، لاگک لاین یا همان شعار فیلم‌ها نیز به صورت تر و تمیز، برای اولین بار است منتشر می‌شود. آخر اینکه عامدانه در متن نوشته‌ها دست نبرده‌ام تا آن کهنگی و قدمتش را بتوان درک کرد. بنابراین ممکن است یک جاهایی اش شما هم حس کینه اطلاعات قدیمی است یا درباره‌ی یک فن‌آوری حالا خیلی معمولی، چه ذوقی کرده‌ام یا درخصوص ماندگاری فیلمی اشتباه حدس زده‌ام یا دست فیلم‌سازی را پیش و به‌جا رو کرده‌ام!

وحید ضرابی نسب

عاشقان سینما آدم‌های مریضی هستند.

فرانسوا تروفو